

گسترش واژگانی و ساختاری زبان نوشتاری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بر اساس متغیر طبقه اجتماعی در چارچوب نظریهٔ بازیل برنشتاین

نادر جهانگیری

استاد زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

علی افخمی*

استاد زبان‌شناسی دانشگاه تهران، ایران

فهیمة کوچک‌زاده

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

(تاریخ دریافت: 86/5/29، تاریخ تصویب: 86/8/28)

چکیده

مقاله حاضر دربارهٔ بررسی تأثیر متغیر طبقه اجتماعی در گسترش واژگانی و ساختاری زبان نوشتاری دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر مشهد است. در این مقاله، در چارچوب نظریهٔ بازیل برنشتاین که به بررسی تأثیر متغیر طبقه اجتماعی بر روی گونهٔ زبانی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و کاربرد تعدادی از مقوله‌های دستوری شامل: تعداد واژه، اسم،... می‌پردازد، پرداخته شد تا به سؤالات تحقیق پاسخ داده شود. برنشتاین (1975) در نظریهٔ خود دو گونهٔ زبانی محدود و گسترده را که متأثر از ساختارهای اجتماعی متفاوتند مطرح می‌کند و به مفهوم کنترل اجتماعی، نقش انواع خانواده، توزیع طبقاتی متغیر توالی‌های پایانی، توالی‌های خود محور و جامعه‌محور در کاربرد دو گونهٔ زبانی محدود و گسترده اشاره می‌کند. نتیجه به دست آمده از مقاله حاضر نشان می‌دهد که تفاوت‌های طبقاتی و ساختارهای اجتماعی می‌توانند به عنوان عاملی مهم برای تمایز نوع گونهٔ زبانی و در نهایت میزان مهارت دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در به کارگیری زبان باشد.

واژه‌های کلیدی: گونهٔ زبانی گسترده و محدود، کنترل، طبقه اجتماعی، توالی‌های پایانی، توالی‌های جامعه‌محور و خودمحور.

* تلفن: 021-61112889، دورنگار: 021-66495388، E-mail: afkhamia@yahoo.com

مقدمه

زبان به عنوان یک نهاد و واقعیتی اجتماعی است که روابط اجتماعی در بستر آن شکل می‌گیرد و از دیرباز توجه بسیاری از زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان را برانگیخته است. به همین جهت، زبان به عنوان یک رفتار اجتماعی، باید در بافت فرهنگی - اجتماعی خود مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گیرد. از آنجا که زبان پدیده‌ای یکپارچه و همگن نیست، می‌توان گوناگونی‌های زبانی را براساس همبستگی بین متغیرهای زبانی و غیرزبانی بررسی کرد، هر چند که تا به حال نظریه واحدی در این زمینه ارائه نشده است، اما چنین به نظر می‌رسد که اساسی‌ترین رویدادها در زندگی افراد، تحت تأثیر طبقه اجتماعی آنها رخ می‌دهد. تأثیر طبقه اجتماعی، به ویژه در آموزش و تحصیل، فرد بسیار قابل توجه بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است.

بازیل برنشتاین (Bernstein, Basil) فیلسوف و جامعه‌شناس معاصر انگلیسی، از جمله کسانی است که درباره ارتباط بین طبقه اجتماعی و زبان‌آموزی کودک تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است و آن را از دیدگاه نسبتاً متفاوتی بررسی کرده است. او معتقد است که طبقه اجتماعی فرد از طریق تأثیر آن بر ساختار خانواده، گونه زبانی کودک را تعیین می‌کند. برنشتاین دو گونه زبانی محدود (Restricted Code) و گسترده (Elaborated Code) را مطرح می‌کند و بر این باور است که اگر چه کودک دارای بهره هوشی طبیعی است، ولی به خاطر ادراک متفاوتی که کودکان این دو طبقه اجتماعی (پایین و بالا) به واسطه نوع گونه زبانی‌شان از موضوعات مختلف دارند، در نتیجه یادگیری آنان هم در این گروه‌ها متفاوت است. (سادونیک، 2001).

خاستگاه اجتماعی افراد در ترکیب محیط تحصیلی، یکی از عوامل مؤثر در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است، به گونه‌ای که بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند محرومیت‌های مادی یکی از عوامل اصلی و مهم نابرابری‌های تحصیلی و در نهایت افت تحصیلی است. به نظر می‌رسد که در آموزش و پرورش ایران به علت نیازهای ضروری‌تری که احساس می‌شود، چندان به این مسئله پرداخته نشده است و جای پژوهشی علمی در زمینه ارتباط بین متغیر طبقه اجتماعی، زبان‌آموزی کودک و نظام آموزشی خالی است. در این مقاله به بررسی علمی این موضوع در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی پرداخته می‌شود که می‌تواند به گونه‌ای مطلوب این خلاء توصیفی، نظری، کاربردی را ترمیم کند. به این منظور براساس متغیر طبقه اجتماعی در چارچوب نظریه برنشتاین، دو طبقه اجتماعی پایین (Lower Social Class) و متوسط بالا (Upper Middle Class) به عنوان دو طبقه اجتماعی متفاوت از میان دانش‌آموزان دختر مقطع

ابتدایی شهر مشهد انتخاب شدند و به بررسی تأثیر این عامل غیرزبانی بر روی میزان کاربرد برخی مقوله‌های دستوری شامل: تعداد واژه، اسم، گروه اسمی، ضمائر شخصی منفصل، صفت، قید و حرفه اضافه پرداخته شد.

در زمینه همبستگی بین زبان و طبقه اجتماعی پژوهش‌های متنوعی صورت گرفته است که از این میان می‌توان به پژوهش‌های مدرسی (1368)، جهانگیری (1992)، حسینی ابریشمی (1370)، حسینی (1372) و پرتوی (1374) اشاره کرد، اما اینکه آیا اختلاف طبقه اجتماعی به طور اخص می‌تواند میان دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف تفاوت‌های زبانی و یادگیری ایجاد کند یا خیر زمینه‌ای است که زیاد به آن پرداخته نشده است، بنابراین، یکی از اهداف اصلی مقاله حاضر، یافتن پاسخ این سؤال و همچنین ارائه راهکارهای عملی به صاحب نظران و برنامه‌ریزان آموزشی بر مبنای مباحث نظری زبان‌شناسی اجتماعی در همین زمینه است. به این منظور در مجموع دویست نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی طبقه اجتماعی پایین و متوسط بالا در شهر مشهد به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که با بررسی انشاهای کلاسی آنها بر مبنای تصاویر داده شده و مدت زمان تعیین شده، به بررسی و تجزیه و تحلیل آماری مقوله‌های دستوری ذکر شده پرداخته شد.

مبانی نظری

مبانی نظری این تحقیق در غالب ارائه تعریف از مفاهیم بنیادی نظریه برنشتاین بیان می‌شود. نظریه برنشتاین را می‌توان در غالب سه مفهوم کلی گونه‌های زبانی (کدهای زبانی)، طبقه اجتماعی و کنترل (Control) بیان کرد. برنشتاین در نظریه خود به دو نوع گونه زبانی یا کد زبانی متفاوت اشاره می‌کند که عبارتند از:

- 1- گونه زبانی محدود (کد محدود)
- 2- گونه زبانی گسترده (کد گسترده)

گونه زبانی محدود

این مفهوم را اولین بار بازیل برنشتاین در نظریه خود در مقابل گونه زبانی گسترده مطرح کرده است. در نظریه او گونه زبانی محدود دارای ویژگی‌های زیر است:
این گونه که به طور عمده توسط طبقات اجتماعی پایین و قشرهای وابسته به آن به کار

می‌رود، دارای ساخت گفتار ساده است و گستره واژگانی آن به لحاظ تعداد، محدود است و از آنجا که تعداد شاخه‌های ساختاری (Alternatives) محدود است، امکان پیش‌بینی عناصر ساختاری برای تشکیل معنا به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. (برنشتاین، 1975 a: 147-108) کاربرد واژه‌ها و جمله‌ها برای طرفین ارتباط زبانی کاملاً قابل پیش‌بینی و محدود بوده و به لحاظ نحوی جملات کوتاه و غالباً این گونه فاقد جملات مرکب است. معنا در گونه زبانی محدود، ضمنی (Implicit) و بسیار پیچیده است. گویشور گونه زبانی محدود در گفتار خود از ضمائر شخصی جمع بیشتر استفاده می‌کند و تأکید عمده وی بر اول شخص جمع است. توصیف‌های گویشور دارای گونه زبانی محدود بافت وابسته (Context – dependent) است. (برنشتاین، 1975a: 113-111) واردها (Wardhaugh. R) معتقد است که گونه زبانی محدود همان زبان غیر رسمی است (317:1986).

گونه زبانی گسترده

آر. حسن (Hassan . R) درباره گونه زبانی نوشته است که در مقایسه با گونه زبانی، عوامل غیر زبانی اهمیت بسیاری دارند و ویژگی‌های معنایی گونه‌های زبانی توسط عوامل مربوط به ساختار اجتماعی قابل پیش‌بینی‌اند. این امر سبب می‌شود که مفهوم گونه زبانی از عمومیت خاصی برخوردار شود. (برنشتاین، 1975 b: 256) گونه زبانی گسترده، گونه‌ای است که به نظر می‌رسد منشأ آن را می‌توان در روابط اجتماعی، براساس میزان مهارت کلامی فرد در استفاده از زبان جستجو کرد. این گونه، دارای ساختار، کاربرد و انتخاب واژگانی گسترده‌تر و در عین حال دقیق‌تر و همراه با مفاهیمی صریح و واضح (Explicit) است. ان. ای کالینگ (N.E. Collinge) گونه زبانی گسترده را به شرح زیر تعریف نموده است: گونه زبانی گسترده گونه‌ای است که نظرات و توصیفات در آن می‌توانند مستقل از بافت و شرایط موقعیتی توضیح داده شوند و این امر مستلزم داشتن مهارت‌های گفتاری بافت - مستقل (context-free) است که در نظام آموزشی از ارزش زیادی برخوردار است. (کالینگ، 1990: 499) در این گونه، معنا صریح و واضح است. به اعتقاد برنشتاین، گونه زبانی گسترده در شرایط فرهنگی - اجتماعی، بر ضمیر اول شخص مفرد «من» تأکید بیشتری دارد تا ضمیر اول شخص جمع «ما» (برنشتاین، 1975 a: 147).

کنترل

مفهوم کنترل یا فرایند مهارگذاری در نظریه برنشتاین، به نقش‌های انواع خانواده و کنترل

اجتماعی اطلاق می‌شود. به عبارتی دیگر چگونگی تصمیم‌گیری حاکم در خانواده‌ها و اصولی که این حاکمیت و روابط میان اعضای خانواده را تنظیم می‌کند، در این نظریه کنترل نامیده می‌شود. برنشتاین دو نوع خانواده را مبنا قرار می‌دهد، خانواده‌های جایگاه‌گرا (Positinal Families) و خانواده‌های شخص‌گرا (Person-Oriented families). خانواده‌های جایگاه‌گرا خانواده‌هایی‌اند که در آنها گستره تصمیم‌گیری تابع پایگاه صوری عضو خانواده است و «خانواده‌های شخص‌گرا» خانواده‌هایی‌اند که عرصه تصمیم‌ها صرفاً و فقط تابع پایگاه عضو خانواده نیست و به ویژگی‌های روانی و فکری شخص وابسته است. فرزندان در بعضی از تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌ورزند، نظام ارتباطی در چنین خانواده‌هایی باز (Open - Communication System) است و همواره بر ارتباط کلامی تأکید می‌شود و نقش والدین در اجتماعی شدن کودک بسیار با اهمیت است. (شراکوی، 1379:80-79).

توالی‌های پایانی (Terminal Sequences)

توزیع طبقاتی متغیر توالی‌های پایانی در کاربرد دو گونه محدود و گسترده، اهمیت زیادی دارد. توالی‌های پایانی جمله‌هایی مانند «مگر نه»، «شما می‌دانید» و... را در بر می‌گیرد. این جمله‌ها اغلب توسط هر دو طبقه اجتماعی پایین و بالا استفاده می‌شود ولی گفته می‌شود که این توالی‌ها به هنگام استفاده از یک گونه محدود وقوع بیشتری دارند، همچنین کاربرد آن در طبقه پایین نشانه‌ای از ابهام و عدم اطمینان است.

توالی‌های خودمحور (Ego-Centric Sequences)

از نظر معنایی، خود محور کسی است که بیشتر در ارتباط با فرد است تا جامعه و اغلب به نیازها و فعالیت‌های فردی خود محدود است. کوک (Cook) (1971) معتقد است که مادران طبقه اجتماعی متوسط بیش از مادران طبقه اجتماعی پایین از توالی‌های خودمحور استفاده می‌کنند (برنشتاین، 1975b:108).

توالی‌های جامعه محور (Social-Centric Sequences)

از نظر معنایی، جامعه محور کسی است که بیشتر در ارتباط با جامعه است تا با فرد. برنشتاین معتقد است که توالی‌های جامعه محور با گونه زبانی محدود به کار برده می‌شوند. برای مثال you know/see به معنای شما می‌دانید، متوجه‌اید، توالی‌های جامعه محوراند که

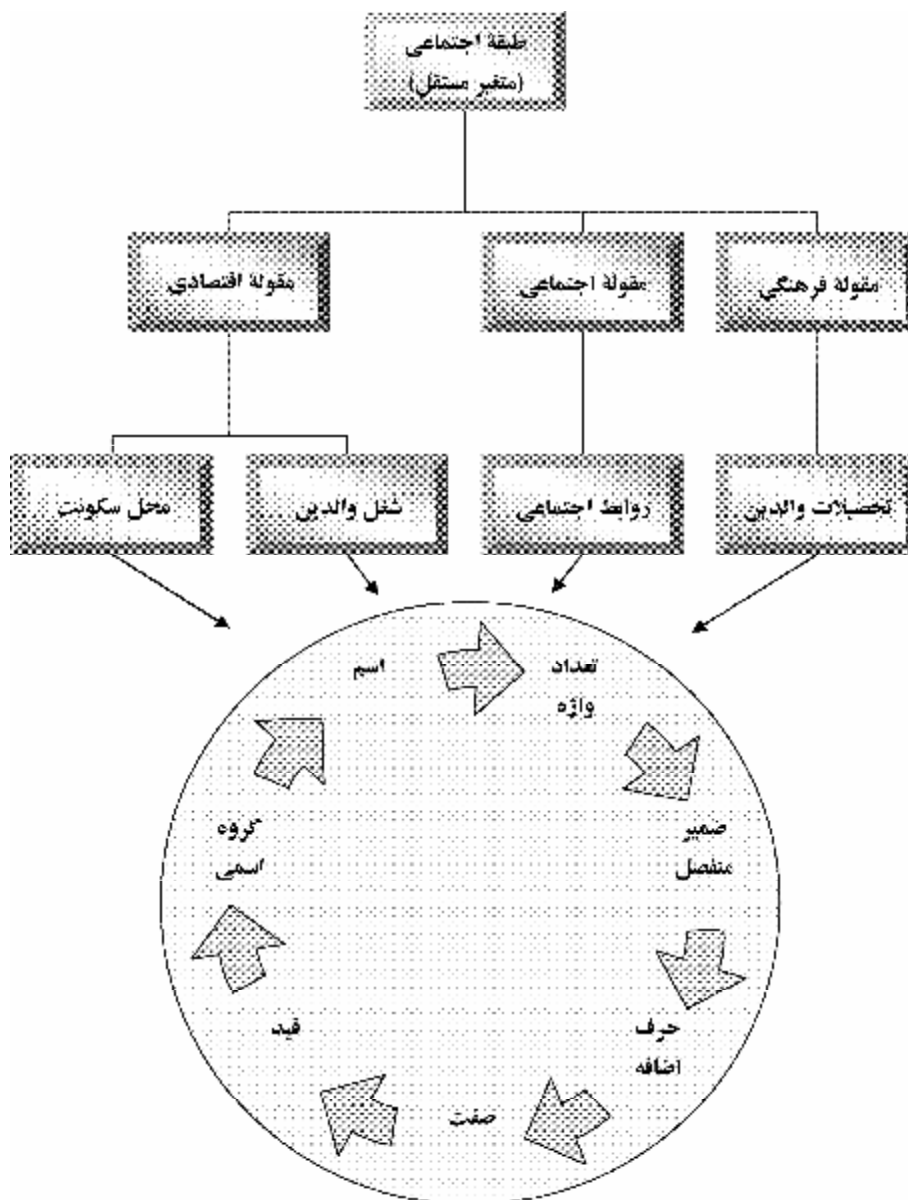
بیانگر نقش‌های عمومی و اشتراکی‌اند. توالی‌های جامعه محور زیرگروه توالی‌های پایانی است. (همان منبع).

طبقه اجتماعی

به طور کلی، میان متغیرهای زبانی و طبقه اجتماعی، به عنوان یک متغیر غیرزبانی، همبستگی قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. هر طبقه اجتماعی، الگوهای رفتاری خاصی دارد که رفتار زبانی یکی از مهم‌ترین آنهاست و همان گونه که بررسی‌های جامعه‌شناختی زبان نشان داده است، رفتار زبانی افراد یک جامعه می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های کلی در تعیین یا تشخیص موقعیت طبقاتی آنان مورد استفاده قرار گیرد. در نظریه برنشتاین براساس شاخص برندیس (Brandis Social class Index) متغیر طبقه اجتماعی به صورت شاخصی با توجه به عوامل تحصیلات و شغل والدین در نظر گرفته شده است. در این نظریه دو طبقه پایین کارگر و بالا مورد بررسی قرار گرفته است. (برنشتاین، 1975b:49)

در واقع در نظریه برنشتاین بسامد وقوع یا ظرفیت واژگانی مد نظر بوده است. کلیه صورت‌های زبانی مورد بررسی عیناً در نظریه برنشتاین مورد تحلیل قرار گرفته و در تمام این مقوله‌ها میزان درصد کاربرد این مقوله‌های زبانی در دو طبقه اجتماعی پایین و بالا مورد بررسی قرار گرفته است. (برنشتاین، 1975b : 91-87)

مدل نظری این پژوهش را که رابطه بین متغیر مستقل (طبقه اجتماعی) و متغیر وابسته (مقوله‌های دستوری) را نشان می‌دهد، به شکل زیر می‌توان نشان داد.



نمودار شماره ۱: رابطه بین متغیر مستقل (طبقه اجتماعی) و متغیر وابسته (مقوله‌های دستوری)

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها و شیوه تنظیم پرسشنامه

در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات درباره پیشینه مبانی نظری تحقیق از روش کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌ها از روش میدانی استفاده شده است.

در نظریه برنشتاین برای تعیین طبقه اجتماعی، شاخص طبقه اجتماعی برندیس اعمال شده است. لازم به یادآوری است که در این پژوهش علاوه بر استفاده از شاخص برندیس به منظور همگن کردن هر چه بیشتر جامعه نمونه مورد نظر، شاخص محدوده محل سکونت و پرسشنامه‌ای در سه مقوله فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی طراحی و در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. پس از تعیین شاخص طبقه اجتماعی، متغیر مذکور با تک تک متغیرهای زبانی که عبارتند از: تعداد واژه، اسم، گروه اسمی، ضمائر شخصی منفصل، صفت، قید و حرف اضافه سنجیده شده و رابطه بین آنها به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. هم‌چنین در این پژوهش، نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده انجام شده است. به این ترتیب که در مجموع دویست نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی پایه پنجم دبستان طبقه اجتماعی پایین و متوسط بالا از نواحی 1، 3، 4 آموزش و پرورش مشهد به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. سپس پرسشنامه مذکور در قالب 22 سؤال که شامل 8 سؤال در زمینه مقوله فرهنگی، 4 سؤال در زمینه مقوله اجتماعی و 10 سؤال در زمینه مقوله اقتصادی از نوع بسته (Closed – ended question) و دوحالتی (Dichotomy) برای تعیین طبقه اجتماعی آنها با ارائه راهکارهای لازم طراحی شد و در دو مدرسه پایین شهر و شش مدرسه بالای شهر جهت پاسخ‌گویی دانش‌آموزان قرار گرفت. لازم به یادآوری است که یک پیش‌آزمون (pre-test) قبل از اعمال پرسشنامه در دو دبستان از نواحی یک و سه مشهد انجام شد. با مقایسه جداول شماره 1، 2 و 3 که میانگین سه مقوله فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را برحسب طبقه اجتماعی دانش‌آموزان نشان می‌دهد، متوجه می‌شویم که میانگین سؤالات مربوط به هر سه مقوله فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در طبقه متوسط بالا از میانگین همین سؤالات در طبقه پایین بیشتر است و می‌توان این گونه نتیجه گرفت که والدین در طبقه متوسط بالا با توجه به میزان تحصیلاتشان از لحاظ آگاهی و توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی از قبیل کتاب‌خوانی و مطالعه، کلاس‌های آموزشی، بردباری در پاسخ‌گویی به سؤالات فرزندان، مشارکت در امور اجتماعی و ارتباط با مدرسه برای رفع مشکلات آموزشی فرزندانشان درصد بالاتری رانست به والدین طبقه پایین به خود اختصاص می‌دهند. بدیهی است که به لحاظ وضعیت اقتصادی، هم والدین طبقه متوسط بالا در سطح بالاتری نسبت به طبقه پایین قرار دارند. پس از تعیین حجم

نمونه از دانش‌آموزان خواسته شد که برای دو تصویر متفاوتی که به آنها داده می‌شود در مدت زمان تعیین شده دو داستان بنویسند و آنچه را که در تصاویر می‌بینند، توصیف کنند، آنگاه به تجزیه و تحلیل آماری آنها پرداخته شد.

جدول 1- مقایسه میانگین مقولات فرهنگی براساس طبقه اجتماعی

طبقه متوسط بالا	طبقه پایین	مقایسه میانگین برحسب طبقه اجتماعی
90	42/62	میانگین مقولات فرهنگی

جدول 2- مقایسه میانگین مقولات اجتماعی براساس طبقه اجتماعی

طبقه متوسط بالا	طبقه پایین	مقایسه میانگین برحسب طبقه اجتماعی
78/33	32	میانگین مقولات اجتماعی

جدول 3- مقایسه میانگین مقولات اقتصادی بر اساس طبقه اجتماعی

طبقه متوسط بالا	طبقه پایین	مقایسه میانگین برحسب طبقه اجتماعی
72/63	26	میانگین مقولات اقتصادی

شیوه شمارش مقولات زبانی

برای نگارش انشاء، از دانش‌آموزان در هر دو طبقه پایین و متوسط بالا خواسته شد که با توجه به تصاویری که به آنها داده می‌شود، دو داستان جداگانه بنویسند. به این منظور یک پیش‌آزمون (Pre-test) برای تثبیت زمان لازم و اجرای هماهنگ نگارش برگزار شد. چون زمان نگارش برای هر دو طبقه یکسان بوده است، در اینجا توانایی و تبحر دانش‌آموز در میزان کاربرد کد گسترده و کد محدود مطرح می‌شود. شیوه شمارش کلیه مقولات زبانی هم به این شکل بوده است که تمام صورت‌های زبانی (اسم، گروه اسمی، قید، صفت و ضمیر منفصل) شمارش شده است، یعنی تمام مقوله‌های اسمی به جز ضمائر، تمام مقوله‌های صفتی، تمام مقوله‌های قیدی، کلیه ضمائر منفصل و گروه‌های اسمی مورد شمارش تک به تک قرار گرفته است. نتایج آماری تحقیق، بیانگر آنند که بین میزان کاربرد تعداد واژه، اسم، گروه اسمی،

ضمایر شخصی منفصل، صفت و قید و حرف اضافه با طبقه اجتماعی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی همبستگی وجود دارد. به عبارتی دیگر، بسامد وقوع این مقوله‌های دستوری در نوشتار دانش‌آموزان طبقه اجتماعی پایین نسبت به دانش‌آموزان طبقه اجتماعی بالا کمتر است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری کلوموگروف اسمیرونوف (Kolomogrov- Smirnov) و یومن ویتنی (Mann- Whitney U) استفاده شده است و هر یک از فرضیه‌ها با دو روش مذکور در مرحله آزمون قرار گرفتند. در برخی موارد که داده‌های متغیر مورد نظر نرمال است برای آزمون فرضیه از روش تی - تست (T- test) هم استفاده شده است. با توجه به حجم نمونه انتخاب شده، سطح معنی‌داری (Significance Level) برای همه آزمون‌ها کمتر از پنج صدم در نظر گرفته شده است و به این ترتیب با 99 درصد اطمینان فرضیه صفر در همه آزمون‌ها رد شد. برای هر متغیر زبانی شاخص‌های گرایش مرکزی که عبارتند از: میانگین، میانه و نما و هم چنین درصد تجمعی، فراوانی و درصد هم به تفکیک داستان و طبقه اجتماعی محاسبه شده است.

بعد از آزمون علی فرضیات یا بخش آمار استنباطی، تحلیل روابط بین متغیرها یا در واقع رد یا تأیید فرضیه عنوان شده است.

نتایج پژوهش

آمارهای به دست آمده مرتبط با پرسش‌های تحقیق به صورت جدول شماره 4 بیان شده است.

جدول 4- مقایسه میانگین‌ها و آماره‌های آزمون‌ها بر اساس نوع داستان و سطح طبقاتی پاسخگویان

داستان دوم				داستان اول				جنبه‌های مورد مقایسه (متغیر زبانی)
نتیجه آزمون آماری		میانگین متغیر طبقه اجتماعی		نتیجه آزمون آماری		میانگین متغیر طبقه اجتماعی		
سطح معناداری*	آماره (z)*	طبقه متوسط بالا	طبقه پایین	سطح معناداری*	آماره (z)*	طبقه متوسط بالا	طبقه پایین	
0/000	t = -7/952	49/48	33/49	0/000	-7/736	45/57	28/71	تعدادواژه
0/000	t = -6/928	33/88	24/36	0/000	-6/756	30/83	20/57	تعداد اسم
0/000	t = -5/650	27/88	21/42	0/000	-7/159	24/56	16/35	تعداد گروه اسمی
0/000	z = -4/545	3/72	1/99	0/006	-2/746	4/16	2/61	تعداد ضمیرمنفصل
0/000	z = -5/533	6/63	3/58	0/000	-4/512	6/44	4/04	تعداد صفت
0/000	z = -5/224	8/61	5/53	0/000	-7/005	8/14	4/38	تعداد قید
0/000	z = -5/725	13/71	9/51	0/000	6/227	10/64	6/49	تعداد حرف اضافه

* آماره z = به آزمون یومان ویتنی اشاره دارد که برای مقایسه متغیرهایی استفاده شده که از توزیع نرمال برخوردار نبوده‌اند.
 * سطح معناداری (2 دامنه) = Significance level = بیانگر میزان خطایی است که در تعمیم داده‌ها وجود دارد و حداکثر خطای قابل قبول در آزمون فرضیات و تعمیم نتایج 5 درصد است.
 * آماره t = برای مقایسه متغیرهای کمی دارای توزیع نرمال در دو گروه به کار برده می‌شود.

تحلیل نتایج

مهم‌ترین نتایج هر تحقیق پاسخ به پرسش‌های آن و رد یا تأیید فرضیه‌ها است. در پاسخ به اولین پرسش تحقیق که آیا بین ظرفیت واژگانی دانش‌آموزان و طبقه اجتماعی آنها رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ باید گفت بلی. با مشاهده جدول شماره (4) که بیانگر مقایسه میانگین‌های تعداد واژه استفاده شده در داستان اول و دوم در هر دو طبقه پایین و متوسط بالا است، مشخص می‌شود که میانگین تعداد واژه استفاده شده در هر دو داستان در طبقه متوسط بالا بیشتر از طبقه پایین است. میانگین تعداد واژه در داستان اول در طبقه پایین 28/71 و در طبقه متوسط بالا 45/57، همچنین میانگین تعداد واژه در طبقه پایین در داستان دوم 33/49 و در طبقه متوسط بالا 49/48 است. بنابراین با توجه به نتایج آماری به دست آمده ($0/05 > \text{سطح معناداری}$) می‌توان با 99 درصد اطمینان بیان کرد که فرضیه اول مورد تأیید است.

درباره سؤال دوم که آیا بین تعداد کاربرد اسم و گروه اسمی دانش‌آموزان و طبقه اجتماعی آنها رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ باید گفت که پاسخ مثبت است. در اینجا هم طبق جدول

شماره 4 میانگین تعداد اسم و گروه اسمی استفاده شده در هر دوداستان در طبقه اجتماعی متوسط بالا بیشتر از پایین است. و با توجه به نتایج آماری به دست آمده ($0/05 >$ سطح معناداری) می‌توان با 99 درصد اطمینان بیان کرد که فرضیه دوم نیز مورد تأیید است. در پاسخ به سومین پرسش تحقیق که آیا بین میزان کاربرد تعداد ضمیر منفصل دانش‌آموزان و طبقه اجتماعی آنها رابطه‌ای وجود دارد، یا خیر؟ باید گفت که پاسخ آن مثبت است چرا که طبق جدول شماره 4 میانگین تعداد ضمیر منفصل استفاده شده در طبقه متوسط بالا بیشتر از طبقه پایین است. همچنین بر اساس جدول شماره 5، درصد کاربرد ضمیر منفصل در طبقه متوسط بالا از طبقه پایین بیشتر است. بنابراین، فرضیه سوم نیز براساس این نتایج آماری مورد تأیید است.

جدول 5- درصد کاربرد ضمائر منفصل

داستان اول				ضمائر منفصل
طبقه متوسط بالا		طبقه پایین		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
21/9	90	3/8	10	من
3/17	13	0/7	2	تو
12/9	53	5/6	15	او
8	33	10/9	29	ما
3/2	13	7/5	20	شما
50/7	208	71/4	190	ایشان
100	410	100	266	جمع

جدول شماره 5 نیز نشانگر درصد کاربرد ضمائر شخصی منفصل، به تفکیک هر ضمیر است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، طبقه متوسط بالا در داستان اول بیشتر از ضمیر سوم شخص جمع آنها، 50/7% و پس از آن ضمیر اول شخص مفرد «من» 21/9% استفاده کرده‌اند که در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد و ضمیر دوم شخص مفرد «تو» و ضمیر دوم شخص جمع «شما» به ترتیب 3/17% و 3/2% کمترین درصد را در این طبقه به خود اختصاص داده‌اند.

در مقایسه با طبقه پایین، بیشترین کاربرد در ضمیر سوم شخص جمع «آنها» 71/4% و کمترین کاربرد در ضمیر دوم شخص مفرد «تو» 0/7% و ضمیر اول شخص مفرد من 3/8% به کار رفته است. نکته حائز اهمیت این است که در این طبقه، کاربرد ضمائر «من»، «تو»، «شما» و «او» کمترین درصد را به خود اختصاص می‌دهند. از آنجا که کاربرد ضمیر اول شخص مفرد «من» در میان گویشوران طبقه بالا در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد، 21/9% و نیز کاربرد ضمیر دوم شخص جمع «ما» در میان سخنگویان طبقه پایین همین مرتبه را اشغال می‌کند، 10/9%، می‌توان ارتباط نتایج به دست آمده را با توالی‌های خود محور و توالی‌های جامعه محور مطرح کرد که در این باره استفاده بیشتر طبقه اجتماعی بالا از ضمیر اول شخص مفرد و نیز، استفاده فراوان‌تر طبقه اجتماعی پایین از ضمیر اول شخص جمع، با نظریه برنشتاین کاملاً مطابقت و هماهنگی دارد. چرا که در این توالی‌ها کاربرد بیشتر ضمائر اول شخص مفرد و جمع در دو طبقه اجتماعی پایین و بالا مطرح است.

با توجه به جدول شماره 5 مشخص می‌شود، که ضمیر سوم شخص جمع «آنها» در میان طبقه پایین در درجه اول اهمیت قرار دارد و پس از آن ضمیر اول شخص جمع «ما» مطرح می‌شود. بنابراین استفاده بیشتر از ضمائر جمع نشانگر آن است که نقش‌های اشتراکی و عمومی در میان طبقه اجتماعی پایین از اهمیت خاصی برخوردارند. در صورتی که استفاده بیشتر از ضمیر اول شخص مفرد در میان طبقه اجتماعی متوسط بالا نشان می‌دهد که نقش‌های انفرادی بیش از نقش‌های عمومی اهمیت دارند که این مورد با نظریه برنشتاین کاملاً تطابق و هماهنگی دارد، البته ناگفته نماند که اهمیت نقش‌های انفرادی در میان طبقه بالا به این مفهوم نیست که می‌توان نقش‌های عمومی و اشتراکی در این طبقات را نادیده گرفت. زیرا در هر صورت، استفاده از ضمیر سوم شخص جمع «آنها» در میان دانش‌آموزان طبقه متوسط بالا هم در درجه اول اهمیت قرار دارند.

نکته دیگری که حائز اهمیت است، کاربرد گسترده‌تر اسم توسط دانش‌آموزان طبقه متوسط بالا در برابر کاربرد فراوان‌تر ضمیر به وسیله دانش‌آموزان طبقه پایین است. تحقیقات انجام شده در هشت دبستان ابتدایی شهر مشهد نشان می‌دهد که دانش‌آموزان طبقه متوسط بالا بیش از دانش‌آموزان طبقه پایین از اسم استفاده می‌کنند که این مورد با نظریه برنشتاین مطابقت دارد؛ ولی لازم به یادآوری است که با توجه به نتایج به دست آمده از جدول شماره 4، کاربرد فراوان‌تر ضمیر در مقابل اسم توسط دانش‌آموزان طبقه پایین در زبان فارسی صادق نیست، البته به نظر می‌رسد که چنین نتیجه‌ای چندان هم غیر عادی نیست، زیرا تا حدودی ناشی از کاربرد ضمائر شخصی در زبان فارسی است. با مقایسه ضمائر شخصی مفصل در زبان فارسی که

عبارتند از: من، تو، او، ما، شما، ایشان با ضمائر شخصی در زبان انگلیسی که عبارتند از I, You, He, She, It, We, You, They

می‌توان نتیجه گرفت که ضمیر سوم شخص مفرد در زبان فارسی تنها دارای یک صورت است، در حالی که همین ضمیر در زبان انگلیسی به سه صورت "He"، "She" و "It" به کار می‌رود. بنابراین در زبان انگلیسی، ضمیر سوم شخص مفرد، بیانگر جنسیت فرد است، در حالی که در زبان فارسی ضمائر شخصی اعم از ضمائر شخصی منفصل و ضمائر شخصی متصل، جنسیت فرد را تعیین نمی‌کنند. بانگاهی به نتایج پژوهش پرتوی (1374) و مقایسه آن با پژوهش جاری می‌بینیم که پژوهش او نیز این یافته را تأیید می‌کند.

در تحلیل داستان‌نویسی بر مبنای نام‌گذاری و نتیجه‌گیری از هر دو داستان، دانش‌آموزان در طبقه اجتماعی متوسط بالا در مقایسه با دانش‌آموزان در طبقه پایین، درصد بیشتری را در این زمینه به خود اختصاص داده‌اند. جدول شماره 6 بیانگر این مسئله است.

جدول 6- نتیجه‌گیری و نام‌گذاری هر دو داستان به تفکیک طبقه اجتماعی

درصد در طبقه پایین	درصد در طبقه متوسط بالا	
5	8	نام‌گذاری هر دو داستان
47	56	نتیجه‌گیری از داستان 1
39	66	نتیجه‌گیری از داستان 2

در پاسخ به چهارمین پرسش تحقیق که آیا بین میزان کاربرد تعداد صفت، قید و حرف اضافه دانش‌آموزان و طبقه اجتماعی آنها رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ باید گفت که پاسخ آن مثبت است. در اینجا نیز بر طبق جدول شماره 4 میانگین تعداد صفت، قید و حرف اضافه استفاده شده در هر دو داستان در طبقه متوسط بالا بیشتر از طبقه پایین است. بنابراین با توجه به نتایج آماری به دست آمده و ($\geq 0/05$ سطح معناداری) می‌توان با 99 درصد اطمینان بیان کرد که فرضیه چهارم نیز مورد تأیید است.

در پاسخ به پرسش پنجم که آیا بین استفاده و کاربرد کد گسترده در گونه نوشتاری دانش‌آموزان و طبقه اجتماعی آنها رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ باید گفت که پاسخ آن مثبت است. با استناد به یافته‌های تحقیق جاری و یافته‌های پیترواوکینز (1973)، بازیلی برنشتاین

(1975)، لاتون (1964)، جان همشایر (1986)، چانی کارولین (1994)، لورا بورسی (2003)، فلورین کولماس (2005) و پائولین چین (2005) از پژوهشگران غیر ایرانی و زیبا پرتوی (1374) و جواد علافچی (1376) از پژوهشگران ایرانی می‌توان ادعا کرد که میزان کاربرد این دو گونهٔ زبانی یعنی گونهٔ زبانی محدود و گسترده در طبقات اجتماعی مختلف متفاوت است. بنابراین گونه‌های زبانی، اعم از گونهٔ زبانی محدود و گسترده نشان دهنده ساختارهای اجتماعی متفاوتی اند و در نتیجه، کودکان قشرهای مختلف طبقهٔ پایین، تنها به گونهٔ زبانی محدود طبقهٔ خود آشنایی پیدا می‌کنند، در حالی که کودکان طبقات بالا و قشرهای وابسته به آن دارای دو نوع گونهٔ زبانی محدود و گسترده‌اند. به عبارتی دیگر کودکان طبقهٔ پایین به علت عدم آشنایی با گونهٔ زبانی گسترده به طرز تأسف باری زیان می‌بینند که یکی از نمودهای بارز این خسران را می‌توان در افت تحصیلی بیشتر آنها نسبت به کودکان طبقات مرفه‌تر مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری

با آنچه که با بیان آماری نشان داده شد، می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزان در خانواده‌های طبقهٔ متوسط بالا و قشرهای وابسته به آن نسبت به دانش‌آموزان در خانواده‌های طبقهٔ پایین و قشرهای وابسته به آن به لحاظ آگاهی، تجربیات اجتماعی گسترده‌تر و نیز توجه بیشتر والدین در زمینه آموزش و تحصیل، از گونهٔ زبانی گسترده بهره‌مند می‌گردند و در نتیجه از نظر اطلاعات عمومی، مهارت و روانی در کاربرد گونهٔ زبانی خود در گفتار و نوشتار در رده بالاتری قرار می‌گیرند.

ولی به هر حال، چنین طرح‌بندی زبانی ناشی از اختلافات اجتماعی و فاصلهٔ طبقاتی اجباراً ثابت و غیر قابل تغییر نیست، بلکه آموزگاران، مربیان و برنامه‌ریزان آموزشی می‌توانند با توجه به حقایق ذکر شده، با نگاهی آگاهانه و عالمانه و از طریق برنامه‌ریزی درست، تلاش در پر کردن این خلاء زبانی ناشی از اختلافات اجتماعی داشته باشند و از هدر رفتن توان بالقوهٔ دانش‌آموزان طبقات محروم جامعه در زمینهٔ تحصیل و یادگیری جلوگیری کنند، تا به تدریج این دانش‌آموزان هم به گونهٔ زبانی گسترده دست یابند.

کتاب‌شناسی

ببی اِ.ر.ل. (1384). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.

پرتوی، زیبا. (1374). «پژوهشی بر رابطه زبان و طبقه اجتماعی و کاربرد آن در کودکان دبستانی بر پایه نظریه برنشتاین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.

حسینی ابریشمی، محمد. (1370). تغییر گونه سبکی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.

حسینی، عباس. (1372). «بررسی ارتباط بین میزان تسلط و مهارت در زبان مادری در مقطع دانشگاه با یادگیری زبان دوم با توجه به متغیر طبقه اجتماعی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات خارجی، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

شرکاو، محمد (1379). درآمدهای بر جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: انتشارات نقش جهان.

علافچی، جواد. (1376). رابطه بین طبقه اجتماعی و گونه گفتاری از نظر پیچیدگی نحوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی اجتماعی همگانی دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. مدرس، یحیی. (1368). درآمدهای بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

Bernstein, B. (1975a). *Class, Codes, and Control*, London and Boston: Routledge and Kegan paul, Vol. 1.

Bernstein, B. (1975b). *Class, Codes, and Control*, London and Boston: Routledge and Kegan paul, Vol. 2.

Bourcy, L. (2003). *Spotlighting Social Class : An Exploration of One Adolescent's Language and Literacy Practices*. WWW.leaonline.com/loi/jlr

Carolyn, C. (1994). *Language Development Metalinguistic Awareness , and Emergent Literacy Skills of 5-yr-Old Children in Relation to Social Class*. *Applied Psycholinguistics*. Vol 15, No.3, p371-394. WWW.Cambridge.org/uk/journals

Colling, N. E. (1990). *An Encyclopedia of Language* , London and New York: Routledge.

Columas, F. (2005). *Sociolinguistics : The Study of Speaker's Choices*. Cambridge: Cambridge university Press. WWW.Cambridge.org/uk/catalogue

- Chinn, P. (2005). *Preparing Mathematics and Science Teachers Diverse Classrooms: Promising Strategies for Transformative Pedagogy*. NJ. US: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Hawkins, P.R. (1973). *Social Class, The nominal Group and reference*. In *Code, Class and Control*. Vol 2. Routledge & Kegan P. 178
- Hampshire, J. (1986). *Language use, Social Class and Educational Achievemen* , Early child Development and Care. Vol, 26, No.1, p.51-63. WWW.tandf.co.uk/journals/gb/03004430.htm
- Jahangiri, N. (1992). *Some Sociaoloingutic Aspects of Persian Language* ,Pan-Asiatic Linguistics, Thailand, Bangkok: Chlalongkorn University, Vol 3.
- Lawton, D. (1964). *Social Class Language differences in group discussion*. "In *Language and Speech*", July-September. P.108
- Sadovnik, A. (2001). "*Basil Bernstein*" UNESCO, Internation Bureau of Education, Paris; Vol. XXXI, No.4, P687-703
- Wardhaugh, R. (1986). *An Introduction to Sociolinguistics* . Oxford; BasilBlackwell Ltd.